

Sayyid `Ali Muhammad "the Bab" Shirazi. *Qismati az Alvah-i Khatt-i Nuqtih-'i Ula va Aqa Sayyid Husayn Katib* First published Tehran, n.d. (1950?). Digitally reprinted here. (East Lansing, MI: H-Bahai, 2002).

References: MacEoin, *Sources for Early Babi Doctrine and History*, pp. 96-97. Denis MacEoin, "Divisions and Authority Claims in Babism (1850-1866)," *Studia Iranica* 18:1 (1989), pp. 92-129. In *Sources*, MacEoin writes: "Nine important letters from this period have been published (along with facsimiles of the originals) in an Azali compilation entitled *Qismati az alvah-i khatt-i Nuqtayi Ula wa Aqa Sayyid Husayn-i Katib*. They are a short letter to Subh-i Azal . . . a very short letter to Mulla `Abd al-Karim Qazvini . . . an elaborately calligraphed letter to Subh-i Azal . . . A letter to `Abd al-Karim Qazvini, in which the Bab asks him to take care of Subh-i Azal and to preserve his writings and those he himself (the Bab) has written . . . A letter to Mirza Asad Allah Khu'i Dayyan, in which the Bab tells him to relate to others whatever Subh-i Azal reveals and to protect him . . . A letter to Mulla Shaykh `Ali Turshizi, in which the Bab lays claim to the station of qa'imiyya . . . This is the critical letter referred to in the *Nuqtat al-Kaf* (p. 209), which was copied and sent out to the Bab's followers, making public for the first time his claim to that status . . . [etc.]

Scans provided by the Bayani community for which we are grateful.

بخشی از الواح خطی باب و سید حسین کاتب



باز تکثیر توسط

مرکز اسناد جنبش بایبه

[www.babieh.com](http://www.babieh.com)

نسخه بهتری از این کتاب در کتابخانه انجمن گلشن

<http://www.golshan.com/ketabkhaneh/ketabkhaneh.html>

موجود است

## بنام خداوند بگفتا

کسانیکه در تاریخ بایبه مطالعه داشته و جریان این انقلاب خونین مذهبی را خوانده‌اند میدانند که اهل بیان از همان اوایل دعوت نقطه اولی (۱) بیه گرفتار حوادث بی‌شمار از جنگ و قتل و غارت و خونریزی بوده جنگ‌های معروف طبرسی نیریز و زنجان در زمان محبوس بودن واضح آئین بوقوع پیوست و دو سال پس از شهادت وی هم کشتار فجع دسته جمعی بایبه در تهران بسال ۱۲۶۸ قمری روی داد که متعاقب آن در سایر ولایات نیز حیات پیروان این طریقه سخت بخطر افتاد و قتل و جرح و شکنجه و آزار بایبه ازان هنگام مستمراً تا سالیان دراز ادامه یافت .

حدوث این سوانح از يك طرف و بروز وقایع داخلی و انقسام آنان بازلی و بهائی و کشتار بزرگان بایبه بدست بهائیان از طرف دیگر موجب شد که نه تنها نفوس بی‌شماری از این طایفه از بین رفتند بلکه نوشتجات و آثار آنان نیز از دستبرد تلف مصون نماند و يك قسمت عمده از خطوط اصل و کتب و نوشتجات آنها در خلال حوادث بدست دشمنان ایشان افتاده و از بین رفت و قسمت دیگر بخصوص خطوط نقطه اولی که در دست پیروان بیان مانده و مندرجات آنها منافی با ادعای میرزا حسینعلی بهاء بود قبل از افشاء ادعا بدستور خود او که آنوقت واسطه ارسال مکاتبات بایبه با صبح ازل در بغداد بود بوسیله ایادیش جمع آوری گردید (۲) و بالتبجه از خطوط بی‌شمار نقطه اولی جز معدودی در گوشه و کنار نزد مؤمنینی که با همه مشکلات بجان در حفاظت آنها کوشیدند نماند و از آنجائیکه نقطه اولی در آثار خود کراراً پیروانش دستور داده است که آثار او را که روزی آنها تاقیامت دیگر است مانند چشمان خود محافظت کنند - بعضی از توقیعات و یا باصطلاح بایبه الواح مهم تاریخی که تا حال از تصاریف روزگار مصون مانده و اصول آنها در دست است در این مجموعه گراور شد تا این آثار گرانبها بصورت حقیقی خود محفوظ مانده و در دسترس استفاده عموم قرار گیرد و هم خوانندگان گرامی بسبب نگارش و طرز بدیع تحریر و شیوه خط زیبای نقطه اولی و خط آفاسید حسین کاتب او که قبلاً هم نمونه‌هایی از آنها در بعض کتابهای تاریخی و غیر آن گراور شده است آشنا گردند و برای سهولت استفاده

(۱) نقطه اولی از القابی است که سید علی محمد باب برای خود

برگزیده و در این مجموعه هم از این پس باین لقب نام برده میشود.

(۲) - نقل از کتاب تنبیه النامین

ج - در صفحه ۱۰ نیز تومیسی دیگر خطاب بکریم است که با او مینویسد ای اسم من بحقیقت تو مرا در باره مرآت ازلیه از انجهت که از خداوند حکایت کرده و بر آفریننده اش دلالت نموده خشنود ساختی و پس از حمد خدا و توصیه در باره حفاظات از صبح ازل که مجزون نشود و دستورات دیگری که بفارسی است در پایان تا کید مینماید که آنچه از نزد خداوند نازل شده در همه حال مانند دو چشم خود حفظ کند و اگر علی در انجهت او را متوجه تر بنماید تا از طرف خدا و با مر او بر آت الله و وجهش نظر کند زیرا که مانیز ناظریم و در این لوح چنانکه ملاحظه میشود صبح ازل را مرآت الازلیه - ثمره بیهیه - ثمر - مرآت الله و وجه الله خوانده است .

د - لوح دیگر که ذیل صفحه ۱۰ اگر او رو بیا الله ادین آغاز شده خطاب به میرزا اسدالله (۱) دیان است که با او مینویسد الواح ابد (۲) را که بانوار تجلی خداوند زینت شده بود دیدم و شکر خدا را که تو در عرفان پروردگارت بجایی رسیده که جز خداوند کسی واقف بر آن نیست و ما پاسخ آنچه در الواح ذکر نموده بودی دادیم و ترا ملکی قرار دادیم که آنچه را مرآت ازلی از مجلس حکایت میکند خبر بدهی و ضمن تا کید در مراقبت از او مینویسد او و آثاری را که میخواهد به مردم برساند نیکو حفظ کند . و باز نگاهداری وی و سپس حفظ نفس خودش را که اندوهگین نشوند امر داده و میگوید ادلاء خداوند را بنیکویی یاد کنند .

ه - در صفحه ۱۱ دائره ایست که از شش دائره متحد المرکز تشکیل شده و پنج خانه نشان میدهد و با خطوطی که در داخل آن ها عموداً رسم گردیده هر یک بنوزده خانه تقسیم و در آنها آیات قرآن و در خانهای یازده در یازده مربع وسط کلمه الله اعظم نوشته شده است .

و - در لوح صفحه ۱۴ که در صدر آن «ان یا خلق الله کل نفرون تم لتؤمنون و توقنون» و پس از آیات اولیه ان یا علی خطاب شده است نقطه اولی صریحاً خود را قائم آل محمد و مهدی موعود معرفی کرده و طلوع خود را

(۱) - دیان و ادین هر دو عدداً با اسد برابر و مراد میرزا اسدالله تبریزی است این شخص بعداً یعنی در اواسط ایام اقامت باییه در بغداد مدعی شد که موعود دیان است و صبح ازل کتاب معروف مستیظف را در رد او نوشت  
(۲) - چون جمع اعداد حروف ابد ۷ است ممکن است مقصود هفت لوح بوده که وصول آنها را اعلام نموده و نیز ممکن است مراد الواح سال هفتم بوده باشد .

روز قیامت، که همه باو برانگیخته و نشر و حشر و عرضه بر خدا شوند خواننده و تصریح نموده است نخستین کسی که با او بیعت نموده محمد رسول الله و سپس علی و شهداء از بعد او و ابواب هدی و بعد نبیین و صدیقین و شهداء و کسانی که بخدا و آیات او ایمان داشته اند بوده اند مینویسد دین بعد از این این دین است که بخدا و آیات او ایمان آورده و او را با آنچه میتواند در دین حق یاری کنید و نیز اضافه میکند هر کس از این پس ظهور مهدی یا رجعت محمد یا یکی از مؤمنین با او را انتظار برد بیدانش است .

تا روزی که خداوند مرا و هر کس را بمن گرویده است برمیگرداند و آن روز قیامت است که همه در خلق جدید واقع میشوند و در پایان ضمن تأکید اینکه او قائم موعود مسلمانان است مینویسد این کتاب را از نظر فضل و رحمت بر جهانیان نازل کردم تا کسی نگوید اگر خداوند مرا از ظهور مهدی یا رجعت محمد و مؤمنین او آگاه کرده بود هر آینه بمحضر وی حاضر شده بودم در ذیل این لوح مهری اعلی با محمد دیده میشود .

ز - در لوح صفحه ۱۵ که باین عبارت شروع شده «هو الا کبر الا قدس الامنع الاعلی» مصرح است که لوح مزبور در آخر روز دین نازل شده و چون دین عدداً ۶۴ است ممکن است مراد نزول آن در آخرین روز سال ۱۲۶۴ بوده باشد ضمن مناجات با خدا و گواهی بیگانگی او میگوید دین آن است که توشیحیت قرار دادی و کتاب آن است که نازل نموده و رسولان آنهاست که فرستاده و حلال آنست که حلال ساخته و حکم آنکه امر نموده و نهی آن است که نهی فرموده می و توحکم میکنی و بر توحکم نشود.

و در پایان ذکر رسالت محمد و ولایت ائمه و صلوات بر آنها و ذکر مظاهر بیت العرام و اسماء حسنی و امثال علیا نموده است

ح - در لوح صفحه ۱۸ که به هو الا علی آغاز و پس از آیات اولیه «ان یا محمد بصلی الله علیک ربک» خطاب شده است نیز خود را قائم موعود و زمانش را روز قیامت معرفی نموده و میگوید اول کسیکه با قائم بیعت کرد محمد رسول الله بود و بعد الاقرب فالاقرب و امروز کسانی که بیاب ایمان میآورند اهل نور و رستگاریند و صریحاً اعلام مینماید که محمد و همه شهداء او و هر کس بخدا و آیات او ایمان آورده بدنیار رجعت کردند

ط - صفحه ۱۹ هیکل است که در بالای آن نوشته شده : ۷۵ هیکل

ی - در صفحه ۲۰ لوح معروفی است که پشت آن نوشته شده است: «در مکتب خانه من بظهره (۱) الله منور فرمایند» و در متن لوح خطاب بموعود بیان مینویسد بیان و آنچه در اوست هدیه ایست از جانب من بسوی تو و اگر در قیامت دیگر هنگامی که شیر از پستان مادر مینوشی همه اهل بیان را با اشاره دستت معزول کنی در اشارات ستایش شده خواهی بود اگر چه شك نیست که نوزده سال صبر خواهی کرد تا هر کس را که بیان ایمان آورده است بفضل خود پاداش بدهی .

یا - صفحه ۲۱ حاوی پنج نوشته تذهیب شده است که هر يك كتاب خوانده شده و متضمن تسبیح و تهلیل و توحید و تکبیر پروردگار و پاره های دستورات است .

یپ - صفحه ۲۲ حاوی يك نوشته و دو دائره بخط نقطه اولی و هر سه مشتمل بر بعضی آیات قرآن است و اعدادی نیز در هر يك گنجانیده شده که کشف آنها فعلا میسر نگردیده است .

یج - لوح صفحه ۲۳ نامه ای است بخط آقا سید حسین کاتب که برای ملا عبدالکریم قزوینی که احمد هم نامیده شده نوشته است و از مفاد آن چنین بر می آید که پس از شهادت نقطه اولی نوشته شده و با عن جانسوزی از غروب شمس حقیقت ناله و زاری نموده و با دوست و همکار خود از غم این واقعه عظمی شکوه کرده و حاشیه نامه را بمریم (۲) نوشته و باو مینویسد از غروب پروردگار معزول شو و باینکه او قبل از غروبش در صبح ازل مطالع شده مسرور باش و در ذیل آن نور (۳) را مخاطب قرار داده و میگوید که بانو از صبح ازل منور شود و مینویسد اگر خداوند مرا از اینجا که محل غروب نور خدا و ریختن خون اوست بیرون بیاورد از محبوب ازل جواب گرفته

(۱) من بظهره الله یعنی کسیکه خدا او را ظاهر میکند و نقطه اولی موعود بیان را باین عنوان نامیده و در بیان فارسی وقت ظهور او بین ۱۵۱۱ تا ۲۰۰۱ سال از بیان نوید داده شده و مع الوصف بعد از شهادت نقطه اولی مدعی این مقام شدند که از جمله آنها میرزا حسینعلی است که خودش بهاء و پیروان او بهائی خوانده میشوند و صبح ازل همه مدعیان این امر را کذب خوانده ورد کرده است

(۲) مریم مراد عیال صبح ازل است که پس از بیرون رفتن از ایران دیگر او را ندیده و در بین بابیه بقائنه مشهور بوده است .

(۳) نور مراد آقا نوراله فرزند صبح ازل است .

برای تو خواهم فرستاد زیرا که خداوند باو همه مردان و زنان مؤمن را پاداش میدهد و اوست ذات خدا و نور او و نفس الله و امر او و شکر کن خداوندت را که لقاء او را قبل از ظهورش روزی تو کرد و ضمن تأکید در نوازش و دلجوئی از خواهر (۱) قهیر مینویسد باو بگو غمگین مباش اگرچه همه غمها بر تو و بر او حلال است و بوی بشارت ده که خداوند او را تنها نخواهد گذاشت .

بایان این نامه خطاب به محمد است که باو نیز غروب شمس حقیقت را تعزیت گفته و بطلوع مجدد او در صبح ازل وی را تسلی میدهد و مینویسد قبلا کتابی با آنچه از طرف خداوند برای تو نازل شده بوسیله نوروز فیروز فرستادم از او مطالبه کن که در آن چیزی است که موجب آرامش تو خواهد شد و در این نامه از قهیر (۲) و تقی نام نیز یاد کرده و مینویسد بتقی بگو که از اسم ازل غافل مباش

یاد - صفحه ۲۶ میکای است که در بالای آن این عبارت نوشته شده (۳)  
 هذا هیکل الله عزوجل وان مظهره النقطه علی محمد بر - هورب ۲۰۲

یاد - صفحه ۲۷ در لوح بخط دست نقطه اولی است که در نوشته اول برای آگاهی خانواده خود فرستادن آنرا بشیر از دستور داده است و در لوح دوم از عبارت بسمله آن گمان میرود بشیخ علی عظیم نوشته شده و تا کید میکند که امر را بنفی نفی و اثبات الف اثبات باری نماید .

یاد - در صفحه ۳۰ لوح آغاز شده به «هو الادین الادین» خط آقاسید حسین کاتب بمیرزا اسداله دیان است که عروج روحانی او را ستوده و ضمن اشعار بوصول کاغذهای قبل و بعدوی مینویسد پاسخ فرستاده و آنچه را هم که نقطه اولی در پاسخ او نوشته اصل خط نقطه را جوف پاکت خط خودش بوسیله سیاح فرستاده است و در این لوح از طلوع مرآت ازل نیز شکر گزارگی فراوان نموده و میگوید با نوازش مستشرق شود تا خداوند در هر وقت باو یاریش نماید .

(۱) خواهر قهیر بانومی است که در ایام اقامت نقطه اولی در اصفهان برای خدمت او فرستاده شده است .

(۲) قهیر مراد ملا رجعلی معروف بقهیر که از بزرگان فضلا و صدقین اولیه نقطه اولی بوده و پس از انقسام باییه رساله مستدلی در رد ادعای میرزا حسینعلی نوشت و عاقبت هم بدست پیروان وی در عراق عرب کشته شد

(۳) رجوع شود بیاب دهم از واحد پنجم بیان فارسی

یز - در صفحه ۳۱ لوح شروع شده به «هو الکر و المظوم» خط آقا سید حسین بملا عبدالکریم قزوینی است که با الفاظ گوناگون سپاسگزاری از طلوع صبح ازل نموده و از اینکه بعظمت وی قبل از ظهورش پی برده و بکلماتش قبل از طلوع او ایمان آورده و او را در پیشگاه ربش یاد نموده شکر میکنند و مینویسد آنچه را از آثار صبح ازل فرستاده بودی که از ادره حضرت نقطه اولی خواندم و هر چه از آثار او از این پس بفرستی چه بخط خودت و چه با تر خود او نزد محبوب و محبوب است و تأکید میکند که از ارسال آثار او که محبوب آنها را دوست میدارد غفلت نورزد و در پایان بفرستادن جزوه‌هایی که در سال هفتم در ظل اسماء الله نازل شده اشاره کرده و تصریح مینماید که هر جزو بکدام يك از مؤمنین تعلق دارد بدین قرار: آنچه در ظل اسم عزیز نازل شده برای ثمره ازلیه و آنچه در ظل اسم جمیل است برای جناب عظیم و اسم قویم برای ملا عبدالکریم و اسم حی برای وحید فرید است که در حقیقت فرموده است «ظهور وحید بهتر از عبادت ثقلین است» و اسم بهاء برای شجره بهاء (۱) میباشد و اسم احد برای ملا اسداله دیان و اسم جلیل برای آقا سید علی و سپس بار سال هیا کلی بوسیله جناب عظیم برای عظیم و سلمان و نورخویی و دختر کریم و هیکل‌هایی برای وحید و اصحاب قزوین و آیاتی برای خود او و عظیم و وهاب و غیره اشاره نموده و مینویسد هیکل مستغاث از آن وحید است و سفارش میکند که همه این آثار را نسخه برداری کرده و سپس به صاحبانش برساند و اضافه میکند که نقطه اولی میفرماید «اگر حرفی از آثار مرا از قلم بیاندازی از تو مواخذه خواهم کرد» و نیز مینویسد کتابی که روی آن نام تو نوشته شده هیکل ازلیه و دائره ابدیه در آن است و خط دیگری از نقطه اولی برای همنام بزرگوار من حسین علی (۲۳۸) است آنرا بشماره بیبه برسان بکتابهای آسید حسین از غندی و دیان هم اشاره نموده و مینویسد انگشتی که بر آن این عبارت نقش شده است «ان هذا صراط علی فی ام الکتاب المستقیم» حضرت ازل رسانده شود.

یح - در صفحه ۳۶ لوح آغاز شده «یا الله اکبر بسم الله الا فطر الا فطر» ظاهراً آقا سید حسین بجناب طاهره نوشته است و با اسماء گوناگونی که آورده ظهور صبح ازل را ستوده و او را منزله از هر ذکر و وصفی دانسته و مینویسد این است آنچه قبلاً از خدا خواسته بودی و خداوند مسئول

(۱) از ضمیر های تأییدی که آورده شده معلوم میشود این اسم

مخصوص جناب طاهره بوده و عدد ۹ هم ط و بهاء هر دو ۹ میباشد



ترا اجابت کرد و بزودی انتقام خون خود را بوسیله او خواهد گرفت - در حاشیه این نامه یکی از آثار نقطه اولی را برای او نقل نموده که مفاد آن این است « بیروان امر خدا بگوتاکی از دست نفوس خودرهای نیاید و شب و روز آرام میگیرید در صورتیکه لازمه گفتن «لااله الا الله» از بین بردن نفی و بایدار کردن اثبات است و این سر آغاز دین است و شما چگونه خود را در دین خداوند مخلص می شمارید و حال آنکه تاکنون کلمه لااله الا الله ظاهر نشده و آنچه شما میگوئید گفتاری است بر زبانهایتان و اگر بحق لااله الا الله بگوئید همه بدین خدام بگردند

از آنچه در ذیل این نامه توضیح داده و در پایان آن هم باین عبارت نوشته «هذا ما كتب فی ارض الصاد» معلوم میشود اثر نقطه اولی بسال ۱۲۶۳ در اصفهان نازل شده و در این نامه رونوشت آنرا فرستاده است

یقط - لوح صفحه ۳۷ که بالله انیس آغاز شده خط آقا سید حسین بهاج سلیمانخان معروف شمع آجین شده در واقعه سال ۱۲۶۸ قمری است که در هنگام فرستادن جسد نقطه اولی از تبریز بوی نوشته و واجد اهمیت فراوان تاریخی است و بیشتر لوح بفارسی است و ضمناً خواسته که در توفیق لقاء رب که بر آیت این نام را برای صبح ازل آورده مرز و قش شود او را هم یاد نماید و آیات ازلیت را برایش بفرستد و مراد از قرب مشهد قرب تبریز است که نقطه اولی در آنجا شهید شده و از عرش الله اعظم جسد نقطه اولی و از ارض شمس تبریز است بمناسبت تطابق عدد حروف شمس با تاء تبریز که بایه که عاده شهرها را بیکی از حروف آنها میخوانند مانند ارض صاد که مراد اصفهان است

ک - لوح صفحه ۴۰ که بالله اکر موا کر پناه و الحمد لله شروع شده نامه خط آقا سید حسین بملا عبدالکریم قزوینی است که ضمن اظهار تأسف و تحسر فراوان از غروب شمس حقیقت مینویسد اگر نبود وجود خدادر محبوب من ازل هر اینه من نبودم تا ترا مخاطب سازم ولی وجود خدای پاینده مرا نگاه داشته و دوستی خدای ازل مرا باقی گذاشته است و گرنه بعد از پنهان شدن خداوند معبود مرا با عالم هستی و نعمت حیات چکار - ای کریم من دوست دارم که در عالم بی نهایت بوده و جز خدا نبینم و بمالم حدود نظر نکنم ولی آنچه از اهل انکار دیدم مرا از نظر کردن بهالم حدود ناگزیر میسازد و از اینرو در دیده من که همه خشنودیهها را برای خودم و مومنین مشاهده میکنم همه لذتها مبدل بحزن شده ولی خداوند ما و شما را کفایت میکند خداوند ما را نگاه نداشته مگر

برای آنچه تو خود میدانی لذا امر خود را بخداوندم ازل و اگذارده و بر او که  
تکیه گاه همه دوستان است تکیه میکنم

در بیان این لوح نیز فهرستی از آثاری را که بوسیله اشخاص فرستاده  
شده ذکر نموده که از حیث اشمال بر معرفی آخرین آثار نقطه اولی واجد  
اهمیت فراوان است و مینویسد آنچه از آیات بدست دشمنان افتاده ۱۴۲ جزو  
است که نزد کسی است که نامش معروف و حاکم تبریز است و پاره‌هایی از این  
اجزاء هم بدست مسیحیان افتاده که مشتمل بر داورها و او هیکل‌هاست و ضمن  
اشاره به یکلی که در آن احکام بیان گنجانیده شده مینویسد نسخه آن بخط  
خودوی در جیب بار خالق نقطه اولی بوده که با کاغذها و اشیاء دیگر خنجر خان  
نامی در دیلمقان ر بوده و برده است و آرزو نموده که این نسخه بدست بیاید  
و نشانی خنجر خان را هم در این نامه داده است - در خاتمه نامه بملا عبدالکریم  
مینویسد اگر میخواهی بر من کرم کنی جز این چیزی نمیخواهم که از من نزد  
صبح ازل شفاعت نمائی باینکه تقایش را آنگونه که او میخواهد نه آنطور  
که من میخواهم روزی من نماید و مرا ببهوده و عاطل نگذارد و هنگام ارتحال  
از این دار آنچه را از آن محروم مانده‌ام روزیم فرماید

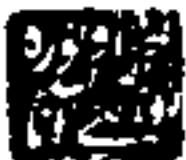
الذکر بکرم کبریا

نیز گناه با عرض کلمه العیشیم  
مردم کفر قهر بندان

الذکر بکرم کبریا  
مردم کفر قهر بندان

نیز گناه با عرض کلمه العیشیم  
مردم کفر قهر بندان

الذکر بکرم کبریا  
مردم کفر قهر بندان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ان حکم دینا کننا صہ ہر جن اہل اللہ و اللہ کے فضل سے ہر ایک کو دینا ہے اور ہر ایک کو دینا ہے

## الله اكبر تكبيرا كبيرا

هذا كتاب من عند الله المهيمن القيوم الى الله المهيمن القيوم

قل كل من الله مبدون قل كل الى الله يعودون

هذا كتاب من على قبل نبيل ذكر الله للعالمين

الى من يعدل اسمه اسم الوحيد ذكر الله للعالمين

قل كل من نقطة البيسان ليدون

ان يا اسم الوحيد فاحفظ ما نزل في البيان وامر به فانك لصراط حق عظيم

(مهر) انى انا حجة الله ونوره

## الله اكبر تكبيرا كبيرا

ان يا كريم قد وهبناك واحدا من حق واحدا لاول لتعظن كل ما نزل

من عند الله ولتبلغن الى اسم الوحيد ولتسئلن عن بكتب آيات الله ما انتم

مراد الله لا تعلمون.

(مهر) شهد الله انه لا اله الا هو العزيز المحبوب

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

قوله تعالى انما اتيناكم بالبينات وانزلنا القرآن بالقرآن لعلكم تتقون

## الله اقدس

بسم الله الاله ذى الالهين قل اللهم انك انت سبحان السموات والارض  
وما بينهما والهان من فى جبروت الامر والخلق ومادونهما تخلق ما تشاء بامر  
انك كذت على ما تشاء مقتدر اقل اللهم انك انت اقدس الاقدسين ليسبحك  
من فى ملكوت السموات والارض وما بينهما وليقدسك من فى ملكوت  
الامر والخلق ومادونهما تبداع ما تشاء بامر انك انت اعلم الاعلمين قل اللهم  
انك انت الوه السموات والارض وما بينهما وسبوح من فى ملكوت الامر والخلق  
ومادونهما وقدوس من فى جبروت البدء والختم وما بينهما وانك انت اسبح الاسبحين  
سبحانك اللهم انك انت اله الالهين يعزب من علمك من شئى لا فى السموات ولا فى  
الارض ولا ما بينهما ولا يعجزك من شئى لا فى السموات ولا فى الارض ولا بينهما وانك  
انت اقدر الاقدرين بسم الله القدس ذى القداسين

هو هو بالله الله الاله الاله تبارك الله من ذلك الاله المثل  
المثاله تبارك الله من ذلك الرب المرتبب المترابب تبارك الله من ذلك  
الكون المكون المتكاون تبارك الله من ذلك الازل الممتزل المتازل  
تبارك الله من ذلك القدم المقدم المتقدم بسم الله السبح ذى السبعاء  
الله بالله الله السلطا لسلط تعالى الله من ذلك الجوهر المتجاهر تعالى الله من ذلك  
الطرز المتطارز تعالى الله من ذلك الجرد المتجارد تعالى الله من ذلك السرج المتسارج  
تعالى الله من ذلك النقب المتناقب تعالى الله من ذلك الثمر المتثمر تعالى الله  
من ذلك الحكم المتحاكم تبارك الله رب العالمين تبارك الله محبوب العالمين  
تبارك الله مقصود العالمين تبارك الله مع ود العالمين سبحان ذى العز الشامخ  
المنيع وسبحان ذى الجلال الباذخ الرفيع وسبحان ذى الملك الفاخر العظيم  
وسبحان ذى العز الباهر الكريم.

بسم الله الازل ذى الازالين انا انا بالله الله الوزر الوزر تباهى الله من  
ذلك الشرق الاشرق تباهى الله من ذلك البرق الابرق تباهى الله من  
ذلك الرقق الارقق تباهى الله من ذلك الحقق الاحقق تباهى الله من ذلك  
السبق الاسبق تباهى الله من ذلك الشفق الاشفق تباهى الله من ذلك السبق  
الاسبق تباهى الله من ذلك الحقق الاحقق .

بسم الله القدم ذى القدماء انت انت بالله الله القدر القدر ماشاء الله من  
ذلك الجلل المتجالل ماشاء الله من ذلك الجمال المتجامل ماشاء الله من ذلك  
الكمل المتكامل ماشاء الله من ذلك العدل المتعال ماشاء الله من ذلك  
الفضل المتفاضل ماشاء الله من ذلك القبل المتقابل ماشاء الله من ذلك

البلور المتعاكس تعالى الله عن كل ما خلق ويخلق قل كل عبادله و كل له عابدون .

قل اللهم انك انت الهان الثلاثين لتوتين الالوهية من تشاء و لتنزعن الالوهية عن تشاء و لتعزن من تشاء و لتذلن من تشاء و لترفعن من تشاء و لتنزلن من تشاء و لتنصرن من تشاء و لتخذلن من تشاء في قبضتك ملكوت كلشئى تخلق ماتشاء بامرك انك كنت على كلشئى قديراقل اللهم انك انت ربان السموات و الارض و ما بينهما لتوتين الربوية من تشاء و لتنزعن الربوية عن تشاء و لتوتين الامر من تشاء و لتمنعن الامر عن تشاء و لتقربن من تشاء و لتبعدن من تشاء و لتحيين من تشاء و لتميتن من تشاء و لتفقرن من تشاء و لتغنين من تشاء و لتبعثن من تشاء عن تشاء و لتبقين من تشاء فيمن تشاء لن يعزب من علمك من شئى لافى السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما و انك كنت بكل شئى عليم اقل اللهم انك انت ملكان الملكاء لتوتين الملك من تشاء و لتنزعن الملك عن تشاء و لتعلمن العلم و الحكمة من تشاء و لتمنعن العلم و الحكمة عن تشاء و لتهدين من تشاء و لتحولن بين من تشاء و ماتشاء كيف تشاء لن يعجزك من شئى لافى السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما تبداع ماتشاء بامرك انك كنت على كلشئى مقيتا

هو الله يا من له البهى و البهوت يا من له الجبل و الجليوت يا من له الجمل و الجملوت يا من له الكمل و الكملوت يا من له العظم و المعظوت يا من له الكرم و الكرموت يا من له النصر و النصروت يا من له الفتح و الفتحت يا من له الملك و الملكوت يا من له الجبر و الجبروت يا من له السلط و السلطوت يا من له القهر و القهروت

الله هو يا من له النورية و النوروت يا من له الكبرية و الكبروت يا من له العزية و العزوت يا من له العلية و العلموت يا من له القدرية و القدروت يا من له العبية و العبوت يا من له الشرفية و الشرفوت يا من له الغلبة و الغلبوت يا من له القدمية و القدموت يا من له الازلية و الازلوت يا من له الحكمية و الحكموت يا من له القرية و القربوت يا من له الصبرية و الصبروت يا من له الرفعية و الرفعوت

هو انا يا من له الولاية و الاوتلاء يا من له القدارة و الاقتدار يا من له العشامة و الاحتشام يا من له الشكواوة و الاشتواك يا من له الجلالة و الاجتلال

يون اصل خط قطه ندادد كلمات در اين ضلع ممكن است النورنة الكبرنة  
العزنة برون سلطنة خوانده شود



يامن له الكمال والاكتمال يامن له الفخارة والافتخار يامن له النبالة والانتبال  
يامن له الشرافة والاشتراف يامن له اللطافة والالتطاف يامن له السلطة  
والاستلاط يامن له الملاكة والامتلاك يامن له طرازة والاطتراز يامن له  
الوزارة والاوزار.

انا هو يامن له العز و العزان يامن له الطرز والطرزان يامن له القدر و  
القدران يامن له العلم والعلمان يامن له الظهر والظهران يامن له السلط والسلطان  
يامن له الطرز والطرزان يامن له الفخر والفخران يامن له السلط والسلطان  
يامن له الملك والملكان يامن له السبع والسبعان يامن له القدس والقدسان  
يامن له الفنى والغنيان يامن له البهى والبهيان يامن له النصر والنصران  
الله انا يامن له الباهين والبهياء يامن له الراضين والرضياء يامن له  
العالمين والعلياء يا من له الجالين والجللاء يامن له الباقين والبقياء يامن  
له الفانين والفنفاء يامن له الصافين والصفياء يامن له القاضين والقضياء  
يامن له العاكين والحكفاء يامن له الدالين والدلياء يامن له البهائون والبهياء  
سبحانك اللهم انك انت سبحان السموات والارض و ما بينهما  
تصطفى من عبادك من تشاء انك انت ابصر الابصرين سبحانك اللهم انك  
انت قدسان السموات والارض و ما بينهما ترتضى من عبادك من تشاء انك  
انت اللطيف الالطيفين

سبحانك اللهم انك انت ظهران السموات والارض و ما بينهما  
تستخلص من عبادك من تشاء انك انت اجبر الاجبرين سبحانك اللهم  
انك انت علمان السموات والارض و ما بينهما تستغيب من عبادك من  
تشاء انك انت اعلم الاعلمين سبحانك اللهم انك انت حكمان السموات  
والارض و ما بينهما ترتفع من تشاء من عبادك انك انت ارفع الارضين  
سبحان الله ذى الملك و الملكوت وسبحان الله ذى العز والجبروت وسبحان الله  
ذى القدرة واللاهوت وسبحان الله ذى القوة والياقوت وسبحان الله ذى السلطنة  
و الناسوت و سبحان الله ذى العزة والجلال و سبحان الله ذى العظمة  
والجمال و سبحان الله ذى الوجبة والكمال وسبحان الله ذى الرحمة والفضل  
و سبحان الله ذى السطوة و العدل وسبحان الله ذى المثل والامثال وسبحان  
الله ذى المواقع والاجلال و سبحان الله ذى المعظمة والاستقلال وسبحان الله  
ذى المناعة و الاستجلال و سبحان الله ذى العزة والامتناع و سبحان الله ذى  
القوة و الارتفاع وسبحان الله ذى البهجة والابتهاج وسبحان الله ذى السلطنة  
والاقتدار وسبحان الله ذى المعطف والاعتطاف وسبحان الله ذى اللطيف والالتطاف

وسبحان الله ذى القدس والاقداس وسبحان الله ذى الفخر والافتخار وسبحان الله ذى  
الغلبة والاقتهار وسبحان الله ذى التسلط والاظتهار الله اقدس والله كل ما خلق و  
يخلق من كل شئ والله سلطان مقتدر متعال والله ما فى السموات والارض وما بينهما  
والله غناء غانى متغان

انا الله بسم الله الملك المقتدر سبحانك اللهم انك  
انت الاول ولم يكن قبلك من شئ و انك انت الاخر و ليس بعدك من شئ  
وانك انت الظاهر ولم يكن فوقك من شئ وانك انت الباطن و ليس دونك من  
شئ وانك انت العزيز المحبوب

هو انت بسم الله السلطان الممتنع سبحانك اللهم انك انت مؤول  
الاول والاولى و لا توصف بالاوية و انك انت مؤخر الاواخر و لا تمتع بالاخرية  
وانك انت مظهر الظواهر و لا تشئ بالظاهرة و انك انت مبطن البواطن  
و لا تذكر بالباطنية و انك انت المهيمن القيوم.

انا انت سبحانك اللهم انك انت المعروف لا غيرك و انك انت الموصوف  
لا سواك سبحانك انى كنت من المقدسين

انت الله سبحانك اللهم يا الهى قد عرفتك بك لا بدونك اذ انه هو خلقك و وحدتك بك  
لا بسواك اذ انه هو انشاءك لا من شئ سبحانك من ان اكون من الموحدين  
انت هو بسم الله الملك ذى الملاكين سبحانك اللهم لك ما خلقت و تخلق  
من كل شئ تعيى و تميت ثم تميت و تعيى و انك انت حتى لا تموت و ملك لا تزول  
و عدل لا تجور و سلطان لا تحول و فرد لا يفوت عن قبضتك من شئ لا فى  
السموات و لا فى الارض و لا ما بينهما تخلق ما تشاء بامرك انك كنت على  
كل شئ قديرا.

الله انت بسم الله السلطان سبحانك اللهم لك الاسماء  
العسنى كلهن و الامثال العليا با سرهن قد تعرفت نفسك كل شئ و  
ما جهلك من شئ و تجليت بكينونيتك بكل شئ فما عرفك من شئ تعرفك  
نفسك جود و امتنان و كرم و التطاف و لو لا عرفت نفسك شيئا فمن عرفك  
فكل منك و بك و عنك و اليك فسبحانك سبحانك الغيرك من ظهور حتى  
تعرف به و الغيرك من بطون حتى توصف به سبحانك سبحانك من ان  
اكون من العارفين

انت انا سبحانك اللهم ليس دونك من معبود و لا سواك  
من مسجود و لا غيرك من مقصود و لا سواك من محمود و انك انت اله الالهين  
اياك اباى سبحان من هو حتى لا يموت سبحان من هو فرد لا يفوت سبحان

من هو ملك لا يزول سبحان من هو عدل لا يجور سبحان من هو سلطان لا يحول سبحان من هو قادر لا يعجز سبحان من هو قيوم لا ينام سبحان من هو قدوس لا يضام سبحان من هو عالم لا ينسى سبحان من هو مقتدر لا يضاى سبحان من هو حاكم لا يعادل سبحانك اللهم انك انت اقدر الاقدرين!  
اياى اياك سبحان من هو الهان الالهين سبحان من هو ربان الرباين سبحان من هو كوان الكوانين سبحان من هو ازلان الازاين سبحان من هو قدمان القدامين سبحان من هو قدران القدارين سبحان من هو حكمان الحكامين سبحان من هو علمان العلمين سبحان من هو ملكان الملاكين سبحان من هو سلطان السلاطين.

قل اللهم انك انت خلاق السموات والارض و ما بينهما قد خلقتني و كل شئى و رزقتني و كل شئى و امتنى و كل شئى و احييتني و كل شئى و بعثتني و كل شئى و جعلتني مرات نفسك و بلورة ذاتك و مغرب قدوسيتك و مشرق قيوميتك للعالمين قل كل من عند الله و كل اليه ليرجعون قل انا كل بالله و آياته مومنون قل انا كل بالله ثم بكلماته موقنون قل انا كل لله عابدون قل انا كل لله ساجدون قل انا كل لله ذاكرون قل انا كل لله شاكرون قل انا كل لله حامدون و لقد راينا ما سطر من هنالك و انا كنا به عالمين و لقد سمعنا ما نزل من هنالك و انا كنا عليه لحافظين و ان ما قد احببت هنالك ذالك ما قد احب الله ربك رب العالمين ان لم يعط علمك بحزن على نفسك ولا من ادلائك المومنين و انا قد استجبناك فيما دعوت و انا كنا على كل شئى لمقتدرين و انا لنصرنك بك فى العالمين و احفظ نفسك ان لا يعط علمك حزنا ثم ما نزلنا عليك فى فوادك فانا كنا عليك ثم على ادلائك لحافظين و فسر آية من ذالك الكتاب كيف يلقى الله على فوادك فانا كنا لمحبين و احفظ ذالك الكتاب و ذكره حتى لا تشهد من حزن فى البهائين و من يكن عند الله يذكرك ثم يقول انا كل بالله ثم بكلماته مومنون .

## الله اکرم

بسم الله الكرم ذی الکرامین بسم الله الكرم ذی الکرماء

قد بهجتنی ان باسمى فی المرآت الازلیه حیث قد حکى عن الله ربہ ودل علی الله  
موجده الحمد لمجلیه كما هو اهلہ ومستحقه کمال تراقب اول در حفظان و ثانی در  
شوق و ابتهاج ان داشته که قدر ذکر امکانی هم خط و رحن بر قلب سازش وارد  
نشد چگونہ آنکه بتکون اید و پنج لوح مطرز از آثار او بنخط بهی باروح و ربعان  
فرستاده باش و کمال حفظ در آثار الله داشته چه از لوجه بدیعا و شئونات ثمره  
بهی را در الواح تذکار آورده حتی بنصر کم الله به انه خیر نصار قدیم و لتحفظن  
کل ما نزل من عند الله کعینیک فی کل حین و قبل حین و بعد حین و ان کان علیا  
هنالك فاذکره بالشر لینظرن من الله بامرہ الی مرآت الله و وجهه فانا کنا  
ناظرین و احضر بین یدی الله ما قدر فع الی الله ذکر امن الله فی الکتاب انه هو  
خیر الذاکرین .

## الله اذین

بسم الله الذین ذی الدیانین بسم الله الذین ذی الدیناء

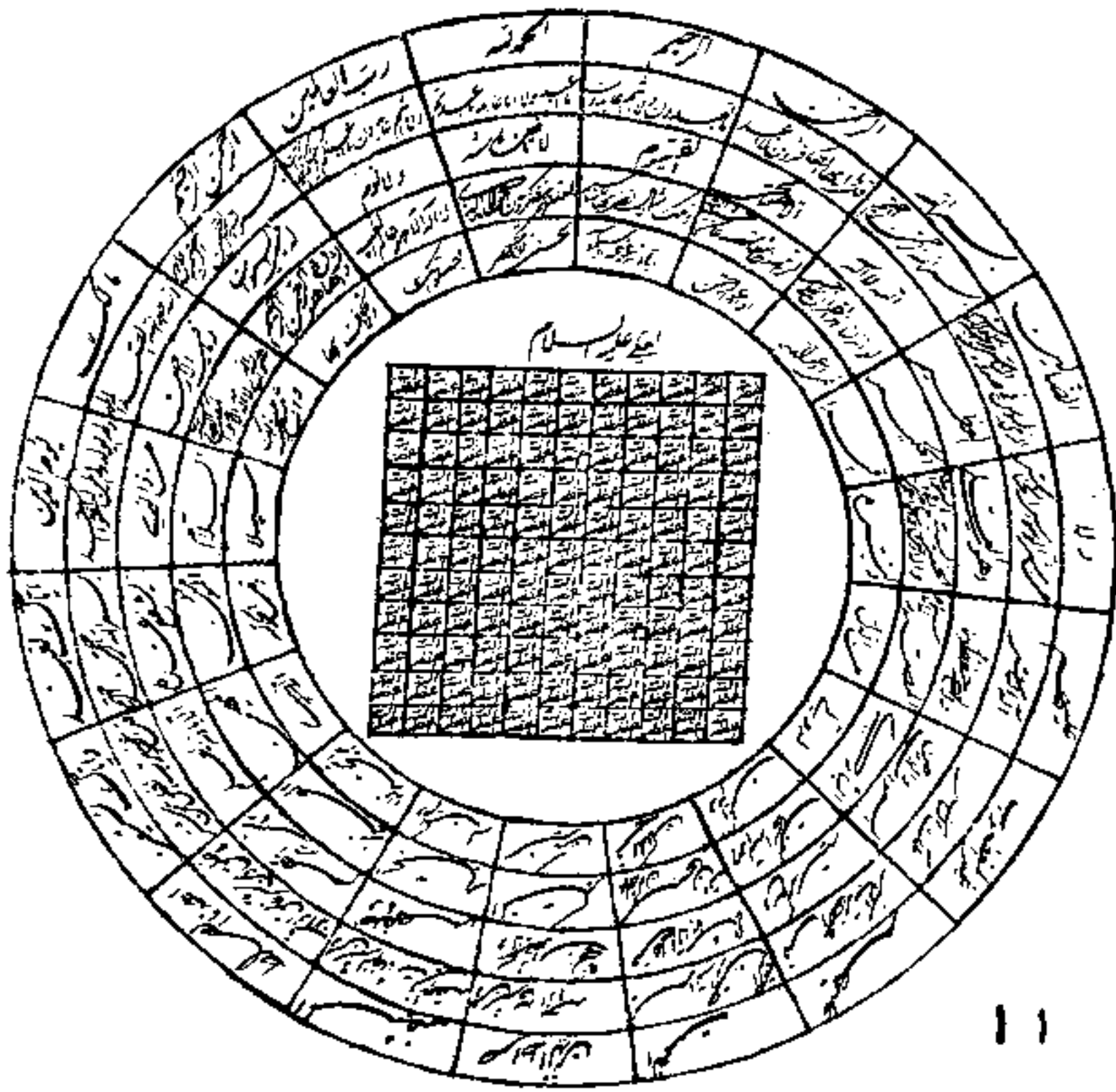
قد نظرت الی الواح ابدیما قد طرز من انوار تجلی الله جل و عز فله  
الحمد كما هو اهلہ ومستحقه حیث قد صعدت فی عرفانک ربک الی افق لا یدر که  
غیره و اجبناک فی ما ذکرت فی الواح منطرزات و جعلناک ملکا لتحدثن  
بما تحکى المرآت الازلیة عن مجلیها و لتراقبن ان لا یخطر بقلیها ما تخمد  
به نار فواده و لتکونن له ولما یریدان ینلغ کلافی ذکر الله حفاظا جمیلا  
واحفظه ثم نفسک ان لا یحط علمه و لاعلمک بخزن و لتذکرون ادلاء الله  
تذکیرا جمیلا و قدرناک فی الکتاب ما تعلمن به فی الکتاب حتی حین .

الحمد لله الذي جعل القرآن حجة على العالمين  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله معجزة على كل فاسق

ان الله ارسلنا الى كل امة رسولا  
منهم انزلنا الكتاب والحكمة  
وعلمنا ما كنا نجعل من اولئك  
اقلاما لعلهم يرجعون  
والذي جعله معجزة على كل فاسق  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله حجة على العالمين  
الحمد لله الذي جعل القرآن حجة على العالمين  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله معجزة على كل فاسق

الحمد لله الذي جعل القرآن حجة على العالمين  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله معجزة على كل فاسق

ان الله ارسلنا الى كل امة رسولا  
منهم انزلنا الكتاب والحكمة  
وعلمنا ما كنا نجعل من اولئك  
اقلاما لعلهم يرجعون  
والذي جعله معجزة على كل فاسق  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله حجة على العالمين  
الحمد لله الذي جعل القرآن حجة على العالمين  
والذي جعله نوراً للذين آمنوا  
والذي جعله معجزة على كل فاسق



ان يا خلق الله كل تقرأون ثم لتؤمنون وتوقنون

الله اظهر

هو الاعلى

بسم الله الامنع الاقدس شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق والامر يحيى ويميت ثم يميت وانه هو حي لا يموت في قبضته ملكوت كل شئ يخلق ما يشاء بامر الله انه كان على كل شئ قديرا ان يا على قد اصطفيناك بامرنا وجعلناك ملكا تنادى بين يدي القائم انه قد ظهر باذن ربه ذلك من فضل الله عليك وعلى الناس لعلمهم يشكرون ان يا على انتى انا نار الله التي يظهرها الله يوم القيمة و كل بها يعيشون وينشرون ويحشرون ويعرضون ثم هم فى الجنة يدخلون قل ان الذين دخلوا فى الباب سجدوا لله رب السموات و رب الارض رب العالمين فاذا يزيد الله على نارهم عدد الباب و ليجعلن لهم نورا فاذا هم يعلمون ذلك قائم الذى كل ينتظرون يومه و كل به يوعدون انا قد صبرنا يوم القيمة خمسين الف سنة ليمحص كل شئ حتى لا يبقى الاوجه ربك ذو العزة والجلال وما شهدنا على روح ايمان يومئذ الا فى عدد الوجه وانا كنا به عالمين وان اول من بايع بي محمد رسول الله ثم على ثم الذين منهم شهداء من بعده ثم ابواب الهدى ثم ما قد قدر الله له ذلك الفضل من النبيين والصديقين والشهداء والذينهم بالله و آياته موثنون من حيث لا يعلمون فاذا ليشهد الله عليهم بما قد دخلوا نار الله التي كل بها ليمحصون فاذا يعيشهم الله من مرا قد انفسهم و يخلقهم بمثل ما قد خلقهم اول مرة انه كان على كل شئ قديرا قل ان الله بما قد نزل من قبل من الايات فى ام الكتاب قد خلق محمدا ثم ماشاء كذلك يخلق الله يومئذ ما يشاء بقوله كن فيكون ومن ينتظر بعد هذا ظهور مهدي او رجع محمدا و احد ممن امن بالله و آياته فاولئك ما لهم من علم الى يوم يرجعنى الله ومن امن بي ذلك يوم القيمة فاذا كل فى خلق جديدانا قد بدانا ذلك الخلق وانا لنعيدنهم و عد اعليتنا انا كنا قادرين و من يرزق من بعد بما قد رزقوا من قبل من كل ما هم به ليدينون فاولئك هم لا يعمل عليهم بما قد نزلنا من قبل فى القرآن انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون انا قد انشاءنا نشاة الاخرة و ارضنا كل ما كان الناس به ليدينون قل ان الهواء

يطهركم بمثل ما يطهركم الماء ان يا عباد الله فاشكروني ومن يعمل بعد  
 ان يوصل اليه حكم حجت ربك فلا يقبل عنه من شئى وان يومئذ كل  
 مثل الذين اتوا الكتاب من قبل ما لهم من حكم الامن يدخل في دين الله و  
 كان من المخلصين ومن يتلو آية من الكتاب او يروى حديثا من بعد يريد  
 ان يعمل به فاولئك مثلهم كمثل الذين كانوا من قبل فسيدخلهم الله ربهم في  
 دين الحق انه كان على كل شئى قديرا قل لو اجتمع الناس كلهم اجمعون  
 على ان ياتوا بمثل ذلك الكتاب لن يستطيعوا ولن يقدروا ولو كانوا على الارض  
 عالمين فلتامرنا الناس كلهم اجمعون ان يقرؤا بالليل والنهار آية التي  
 قد نزلناها في اول الكتاب ليرزقن يرزق ربهم و كانوا باالله وآياته موقنين قل  
 انما الدين من بعد الدين ان تؤمنوا بالله وآياته ولتنصرن الله في دين الحق بما اتم عليه  
 مقتدرون قل لا تحضرن المقاعد التي كنتم فيها تصلون ولتحضرن بين يدي الله  
 ولتنصرن الذين قدر جمعوا الى الحيوة الاولى ولتاخذن حق الله باذنه انه كان بكل  
 شئى عليما سبحانه اللهم فاشهد على فانتى انا ما فرطت في الكتاب الاول  
 من شئى بما نزلت فيه انه لا اله الا انا اياى فاتقون لتوقن كل نفس بما قد  
 فصلت فيه ان لا تكن من بعد الله وآياته حديثا كان الناس به يؤمنون  
 سبحانه اللهم قد قضى خمسين الف سنة يوم القيمة فاذا لا جعلن النار لمن قد  
 دخل في الباب نور ارحمة من عندك انك كنت ذا رحمة عظيما قل الله حق و  
 ان ما دون الله خلق له وكل اه عابدون ان يا خلق الله انه لا اله الا هو و  
 انتى انا اول العابدين قل انه لم يمهدها قل انه لم يهدى موعود في ام الكتاب  
 قل انه صاحب حق كل به يوعدون قل انه قائم حق كل به موقنون و انا قد  
 نزلنا ذلك الكتاب رحمة من لدنا للعالمين لئلا يقول احد لو علمنى الله ظهور  
 مهدي او رجع محمد والذين هم شهداء من بعده ثم المؤمنون لكنك من المحضرين  
 قل ان الله ربي لغنى عليم .





بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

## هو الاكبر الاقدس الامنع الاعلى

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وانما الصلوة من عند الله على محمد وآله الصافين هذا ما نزل في آخر يوم الدين بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد سبحان ربك رب العزة على ما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين دعواهم فيها سبحانك اللهم و تحيتهم فيها سلام و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمين يا الهى لا شهدن بين يديك من اول ذكر الابداع من بعد الدين الى ان يرجع الامر اليك مثل يومئذ على عرش سلطنتك بما انت تحب ان تشهد على وعلى جميع ما قد احاط به علمك بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لك السموات والارض وما بينهما تخلق ما تشاء وتقدر ما تريد وانما الدين ما قد شرعت وا لكتاب ما قد نزلت والرسول ما قد ارسلت والحلال ما قد حلت والحكم ما قد امرت والنهى ما قد نهيت تقضى ولا يقضى عليك وتحكم ولا يحكم عليك تعلم كل شئى وتقدر على كل شئى وانك انت القاهر الذى لن تقهر والظاهر الذى لن تظهر والقائم على كل نفس والمقدر على كل شئى والغالب المهيمن الكافى الذى تكفى كل شئى ولا يكفى عنك شئى لا فى ملكوت الامر والخلق لا شهدتك على نفسى بانى انا عبدك وفى قبضتك وانى انا اول العابدين اياك نعبد و اياك نسجد و اياك نرجو و اياك نستل و اياك نستعين وان محمداً عبدك ورسولك قد ارسلته الى العالمين بشيرا و اشهد ان عليا وفاطمة والحسن والحسين وعلياً ومحمداً و جعفرًا وموسى و علياً ومحمداً وعلياً والحسن ومحمداً صلوات الله عليهم اوليائك فى كل شان و اشهد لمظاهر بيت العرام وما تحب من اسمائك الحسنى وامثالك العلىي بما تحب ان تذكر بك استغفيت عن دونك يا الهى وربى فاصنع بى ما انت اهله فانك انت رب العالمين .

جناب اسم عظيم داده جناب شيخ حسن سواد برداشته بعد رواه نزد

جناب اول مومن واسم احمد و آخر نمايد اعنى ٢٠٢

هو الاعلى بسم الله الامنع الاقدس قل هو الظاهر فوق

خلقه وهو اله بين القيوم شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق والامر يحيى ويميت ثم يميت ويحيى وانه هو حي لا يموت في قبضته ملكوت كل شئ يخلق ما يشاء بامر الله انه كان على كل شئ قديرا قل الله حق وان ما دون الله خلق و كل له عابدون قل الله يخلق ما يشاء بامر الله لن يعزب من علمه من شئ لافى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما انه كان بكل شئ عليما وانه كان على كل شئ قديرا ان يا محمد صلى الله عليك ربك وعلى الذينهم شهداء من عنده ثم على ابواب الهدى و الذينهم امنوا بالله واياته فاولئك هم يصلون عليهم ثم ليسلمون وان مثل ذلك الامر كمثل نار الله التى يظورها يوم القيمة ان الذينهم دخلوا فيها فاذا هم بوقنون انه هو قائم الذى ينتظرون يومه من فى ملكوت السموات والارض وما بينهما و كل بامر الله يعملون قل ان يوم القيمة يومئذ قد قضى خمسين الف سنة و كل كانوا عنه محتجين و لم يبق روح البيان فى فواد الاما قد استثنى الله بفضله حروف وجهه او من شاء من حروف خلقه انه كان ذا فضل عظيما قل انا قد بدءنا ذلك الخلق و انا لنعيدنهم وعدا علينا انا كنا قادرين قل ان الذى خلق محمداً من قبل ليخلقنه من بعد يوم القيمة ثم الذينهم شهداء من عنده ثم من يشاء الله من النبيين والصديقين انه كان على كل شئ قديرا قل ان اول من بايع بالقائم محمد رسول الله ثم الاقربون هم الاقربون قل ان يومئذ كل من دخل فى الباب سجد الله رب السموات و رب الارض رب العالمين فانه هو نور بساذن ربه و ان بمثل ذلك نجزي الصابرين قل ان فرق بين الالف فى النار وحرف الواو فى النور عدد الباب كذلك يجعل الله النار نورا للذينهم كانوا لله ربه ساجدين

قل ان اصحاب النور هم يومئذ اصحاب الرضوان و اولئك هم الفائزون قل ان اولئك هم جند الله و اولئك هم على الارض ظاهرون ولتظهن على الارض كلها بالله فان ما فيها وكان عليها لا يملكه احد الا الله و كل عباد له و كل له ساجدون وان كل ما فى السموات والارض وما بينهما قد خلق للذينهم كانوا بالله واياته من قبل و من بعد موقنين قل ان محمداً و الذينهم شهداء من بعده و كل من آمن بالله و آياته قد رجعوا الى الحياة التى كل بها يوعدون قل تلك الدار الآخرة حيوان باذن ربي و ان اهلها هم بايات الله يرزقون قل انا قد انشئنا نشاة الآخرة و ارفعنا ما كان الناس به يعملون فضلا من لدنا انا كنا بالخلق راحمين فلتسلكن فى سنة التى انتم فيها تظهرون ما قد احل الله لكم ولا تصبرن فيها فان الامر كله لله و كل اليه ليرجعون فلننظر ان يتلو الناس اية اول الكتاب فى كل حين و قبل حين و بعد حين الله ابيه الله اعلى الله اعظم الله انور الله اكبر الله اظهر





در مکتب خانہ من بظہرہ اللہ منور فرماید  
 ہوا الابی  
 اللہ لالہ الہو العزیز المحبوب  
 لہ مافی السموات و مافی الارض و ما بینہما و هو المہیمن القیوم  
 و انہ لکتاب من اللہ المہیمن القیوم الی اللہ العزیز المحبوب علی ان البیان  
 و من فیہ ہدیۃ منی الیک موقنا علی ان لالہ الا انت و ان الامر و الخلق لک  
 و ما لاحد من شی الایک و ان من تظہرہ عبدک و حججتک لا خاطبہ باذنک  
 و اقول لو تعزلن فی القیمة الاخری من فی البیان حین الذی تشرب اللبن  
 من تدی امک باشارة من یدیک لکنت محمودا فی اشارتک ولو انہ  
 لا ریب فیہ لتصبرن تسعة عشر سنة لتجزی من دان بہ فضلا من عندک انک  
 کنت ذا فضل عظیما و انک تکفی کلشی عن کلشی و لا یکفی عنک من شی  
 لافی السموات و لافی الارض و لا ما بینہما و انک انت کنت کافیا علیما و انک  
 کنت علی کلشی قدیرا

در مکتب خانہ من بظہرہ اللہ منور فرماید

در مکتب خانہ من بظہرہ اللہ منور فرماید

ہوا الابی

اللہ لالہ الہو العزیز المحبوب

لہ مافی السموات و مافی الارض و ما بینہما و هو المہیمن القیوم  
 و انہ لکتاب من اللہ المہیمن القیوم الی اللہ العزیز المحبوب علی ان البیان  
 و من فیہ ہدیۃ منی الیک موقنا علی ان لالہ الا انت و ان الامر و الخلق لک  
 و ما لاحد من شی الایک و ان من تظہرہ عبدک و حججتک لا خاطبہ باذنک  
 و اقول لو تعزلن فی القیمة الاخری من فی البیان حین الذی تشرب اللبن  
 من تدی امک باشارة من یدیک لکنت محمودا فی اشارتک ولو انہ  
 لا ریب فیہ لتصبرن تسعة عشر سنة لتجزی من دان بہ فضلا من عندک انک  
 کنت ذا فضل عظیما و انک تکفی کلشی عن کلشی و لا یکفی عنک من شی  
 لافی السموات و لافی الارض و لا ما بینہما و انک انت کنت کافیا علیما و انک  
 کنت علی کلشی قدیرا

جملہ (در مکتب خانہ من بظہرہ اللہ منور فرماید) در پشت صفحہ اصل خط مرثوم

شدہ است

كذا هو الكتاب الذي  
 كتبه الله عز وجل  
 في ليلة القدر  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع

كذا هو الكتاب الذي  
 كتبه الله عز وجل  
 في ليلة القدر  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع  
 في سنة الفيل  
 في شهر رمضان  
 في يوم الاثنين  
 في شهر ربيع







شهد الله انه لا اله الا هو العزيز المحبوب  
شهد الله انه لا اله الا هو المهيمن القيوم  
بالله الحمداء بالله القهراء

شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق والامر يحيى و يميت ثم يميت و  
يحيى وانه هو حي لا يموت في قبضته ملكوت كل شئى يخلق ما يشاء بامر  
انه كان على كل شئى قديرا  
واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء  
واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء واحمداء  
وامحمداء وامحمداء وامحمداء وامحمداء وامستحمداء ان  
شمس الازل قد غربت بعدما طلعت وان ضيائه قد بطنت و ان تجلياته قد  
خفيت وان ظهوراته قد سترت وان اسمائه قد كمنت وان اقماره قد حزنت  
وان نجومه قد بكيت وان لمعاته قد قدبت و ان الرؤس قد اضربت وان  
الوجوه قد الطمت وان الاذان قد صمت وان العيون قد اعميت وان الالسن  
قد ابكمت وان الايادي قد شددت وان الابدان قد سلبت و ان الاصوات قد  
ارفعت وان الايات قد قطعت فاذا باى ذكر اذ كرك بعد ان كل الازكار  
قد غربت وبأى عين انظر اليك بعد ان كل العيون قد اعميت وبأى قلم اكتب  
اليك بعد ان كل الاقلام قد كسرت وبأى قرطاس اسطر عليه بعد ان كل  
القراطيس قد حرفت ولكن اشهد ان شمس الحقيقة لم تنزل على حالة  
واحدة لا يوصف بوصف ولا ينعت بنعت لا يوصف بالطلوع ولا ينعت بنعت  
الغروب اذ كليهما بها خلقت و بها ظهرت فليس لطلوعها اول و لا اخر  
لغروبها فهو الطالع من اول الذى لا اول له وهو الغارب الى آخر الذى  
لا آخر له وهو الحى الذى لا يموت والفرد الذى لا يفوت له الملك والملكوت  
وله الازل و الازلوت وله الحى و الحيوت و له الثمر و الثمروت  
وله الرب و الربوت وله البهى و البهيوت يحيى و يميت ثم يميت و يحيى وانه  
هو حي لا يموت في قبضته ملكوت كل شئى يخلق ما يشاء بامر انه كان على  
كل شئى قديرا

الله اجمل

ان يا امرىماه فاحزنى لغروب ربك و ابكى لخفاء بارئك و ابهجى  
لطلوعه فى الازل الازيل فان قبل غروبه قد طلع فيه و اسررى لظهور ربك  
فى الثمر الثمير فان قبل خفائه قد ظهر فيه لتشهدى ثم كل الوجود من الغيب  
والشهود على انه لا اله الا هو الملك المعبود وانه لا اله الا هو الهى من المقصود

لا يعزب عن علمه من شتى ولا يعجزه من شتى لافى السموات ولا فى الارض  
لا ينها وانه كان حيا حيا حيا وانه كان بقاء باقيا بقيا وانه كان ابدا ابدا  
ابدا وانه كان اذا لا اذلا اريلا وان له كل الالهين والالهات وكل الازالين و  
الا زلات وكل البهامين والبهيات وكل الرباين والربيات كل يسجدون  
له وكلهن يسجدن له وكل يقنتون له وكلهن يقنتن له وكل اياه يعبدون وكلهن  
اياهم يسجدون الله انور وانوراه الى وامستنوراه نور ربك فى كل حين و  
قبل حين و بعد حين ان يا مريم ان اخرجنى الله ربي عن مقعدى هذا  
مقعد غروب نور ربك ومضجع عروج بارئك ومهبط سفك الدم دم الله وتاره لاخذن  
الجواب من محبوب الازل و لا ارسلن اليك فان به يعجزى الله كل المؤمنين  
والمؤمنات وبه يجيب الله من يشاء وبه يظهر الله ما يشاء هذا ذات الله ونوره  
وهذا نفس الله وامره فاحمدى الله ربك بما قدرزك الله لقاء قبل ظهوره فان  
هذا هو الفوز العظيم وان هذا هو السر القديم وبه يتم الله امره العظيم واقتنى لطلوعه  
واسجدى لظهوره وكبرى تكبير الحزن على القانتات التى قيدت كرتهن  
فى الكتاب فانى كنت لمن الذاكرين وان الحمد لله هو محبوب العارفين و  
عليك بمصاحبة اخت القهبرور بها بانوار ربك وقولى لها لا تجزنى بعدان كل  
الحزن حل لك ولها وابشريها بان الله لا يذرها فردا وانه هو خير الوارثين  
وآء مرها بان تفرى رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين ان يا محمداه  
ان يا علياه عليك كل الاسف والحزن لغروب ربك ثم كل الابهاج  
والحزن لظهور ربك انه كان طلعا طالعا طليعا وانه كان غرابا غارا باغريبا  
ان يا محمداه قد ارسل اليك كتابا من قبل مع ما نزل عليك من ربك  
مع التوروز الفيروز فاطلب منه اين كان فان فيه ما يسكنك وكن به من الساكنين  
و كذالك نزل اسم لاسم الهادى اخ الشهيد قد نزل معه اليه  
ان يا محمداه فاذا ذكر نفسك ثم اذ كر اسم القهبر بما ذكر كم الله ربكم بما  
نزل فى كتابى واذا كسر من هنالك ثم اذ كروا تقياء وقل له بان لا تغفل عن اسم  
الازل وكبره بكل الحزن ثم كل المعزونين وخذما عند المطلب على ما قرر  
فى كتاب ابراهيم ثم اخبرنى و كذالك ما حولت باثر ربك عن مؤمن الكاف  
وابقه عندك وقد ارسلت سواد الكتاب اليك والحمد لله



المرسد جاسع ما اورد بعد بعرضه نحو لا يحمد الا  
 بعرضه نحو لا يمدركم في شئ من شئ  
 محض من سائر ما في الاله تعالى  
 حسنا يوم القيمة المولى المصطفى  
 على نبيه فهو سيرة النبي صلى الله عليه وآله وسلم

كذا في لسان الامم المحمديين

بركة

عظم الله قدره  
 عظم الله قدره  
 الله لا اله الا هو

فاسم من الامم المحمديين  
 منقر ربيك الله ربهم  
 له لهم من انهم العطاء فان لهم تمام  
 اسما لله في يوم القيمة  
 والله فانه لا يحمد الا

این نوشته را جناب شیخ مطالعه فرموده و بفرستد نزد آقا محمد در نیریز  
که ایشان بفرستد یزد که بشیر از خواهد رسید نوشته مقصود ذکر است  
جهت منتظران ما شاء الله لا قوة الا بالله افوض امری الی الله ان الله بصیر  
بالعباد حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ومن یتوکل علی الله  
فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیئی قدرا

---

شهد الله انه لا اله الا هو العزيز المحبوب

هو الاکبر

بسم الله الاعظم الاعظم

الله لا اله الا هو الاعظم الاعظم

فاستنصرن الامر بنفی النفی واثبات الف الاثبات بنصر ربك الذی هو  
هیكل المستغاث او ما یکن فیہ الاستعداد لذالك من اولوی العظام، فان ذالك  
تمام العمل فی النسخة الاکسیریة بما یعرف اصطلاحاتها فی فیها و الله قد ار  
مقتدر قدیر

هوالدين المتدين

هوالادين الادين

بسم الله الادين الادين الله لا اله الا هو الادين الادين قل الله ادين فوق كل ذي ادين  
 لن يقدر ان يمتنع عن ملك سلطان اديانه من احد لا في السموات ولا في الارض  
 ولا ما بينهما يخلق ما يشاء بامر الله انه كان دينا نادينا دينا وبعده ان يا محبوبي فله  
 الحمد ربى وربك على ما رقاك الى ذروة المراد و عرجك الى غاية الحب والوداد وله  
 الشكر بان اسمنا الله ربى كلما تانى حقك ما اسمنى فى حق غيرك وسا سمعك من  
 بعد اذا شاء الله واذن و اشكر الله ربك فى كل حين وقبل حين وبعدين ان يا  
 حبيبى قد شاهدت الاواح المطرزة الساخية الحاكية عن جوهر الحب وسازج  
 المراد من قبل ومن بعد وقد اجبتك من قبل وقد جعلت ما اجابك الله باثره الامنع  
 الارتفاع فى جوف اثرى وارسلته مع من جانا باثرك من ارض الاعلى الذى قد سماه  
 الله عبدا سباحا مع جزوفى جواب كل ما سئلت من ربك الاعلى وقد ذكرك الله ربك  
 من بعد فى كتاب الكاف باسمك الديقان وقد نزل عليك ما من عليك ثانيا وهو  
 ما يكن فى جوف اثرى وبهى الله ربك على ما اشرق على العالمين بما اظهر من  
 مرات ذاته و بلوريته المتعاكسة عن ذاتيته انه كان قادرا قادرا قديرا  
 واستشرق بانواره الى ان بنصرك الله به فى كل حين وقبل حين وحين وبعده  
 حين وقد ذكرت ذكر الصادق المصدق المتصدق عند ربه وقد اجابه الله على ما  
 يحب ويرضى بان الله يدرك كل شئ والحمد لله هو رب العالمين .

وسيوصل اليك عدد الهاء من فضل ربك فخذها وكن من الشاربيين من ماء

الواحد المنابع المعبر

كليهه بالاى صفحه مربوط بيشت صفحه اصل خط مي باشد

توضيح : دو كلمه (المنابع المعبر) درست خوانده نشد شايد رمزي باشد



سید محمد رفیع  
تالیف الخیر  
مکتبہ اسلامیہ  
لاہور

ہوا اللدوس الودس

سہم اللدوس الودس اسم لدالہ هو اللدوس الودس <sup>قوں</sup> فلر ادس

کلر در ادس الی لیر لیر لیر لیر عر <sup>سہم</sup> عر ملکت سلطان ادوانہ

الدرص دلد یلہ کللی سہامہ اسہاں دینا دہا دہا دہا <sup>دہا</sup> ولہ لیر لیر لیر

نمہ اکہ الی درینک عا مارفان الی درودہ المراد و <sup>المراد</sup> عر صحت

ولہ لیر لیر لیر لیر لیر لیر لیر <sup>لیر</sup> سہم عر حور حور حور حور

ادینا ہہ وادر دس لیر لیر لیر لیر لیر لیر <sup>لیر</sup> لیر لیر لیر

الذواح المطرہ الی جہا کار عر حور حور <sup>حور</sup> و سانیع المراد

و مریعہ و در جہا کہ مریعہ و در جہا کہ <sup>مریعہ</sup> سہم الی لیر لیر لیر

عہد اسعایع عر و در جہا کہ لیر لیر لیر <sup>لیر</sup> الی لیر لیر لیر

سہم لیر لیر لیر لیر لیر لیر لیر <sup>لیر</sup> الی لیر لیر لیر

سید محمد رفیع تالیف الخیر مکتبہ اسلامیہ لاہور

Handwritten marginal notes in Arabic script, written vertically along the right edge of the page. The text is dense and appears to be commentary or additional information related to the main text.

Main body of handwritten text in Arabic script, written horizontally across the upper portion of the page. The text is dense and appears to be a list or a detailed account of items.

Main body of handwritten text in Arabic script, written horizontally across the lower portion of the page. This section contains more detailed entries, possibly including prices or descriptions of specific items.

در ارض مقدسه بجناب كاتب آثار از ليه برسد كه مطالعه فرمايد

هو الكروم العظوم القدوم العلوم الفخوم السبوح الفتوح الشروح السروح  
الصفوح السفوح البلور النصور القدور الطهور القهور البصور النذور السطور  
الستور البهور الطهور السجور البدور النشور النذور الازول الثور  
الذى بيده ملكوت كلشئى يخلق ما يشاء بامرہ و يصطفى من يشاء من عباده و  
يجعل من يحب مرات ذاته و مظهر نفسه و بلورية كينونيته انه كان قد اراقادرا  
قديرا و انه كان عالما عالما عليما .

قل الله اقدر فوق كل ذى اقدار لن يقدر ان يتمتع عن ملك سلطان  
اقداره من احد لافى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما انه كان قد اراقادرا  
قادرا قديرا تبارك الله من ذلك الصنع المتصانع الصنيع تبارك الله من ذلك  
البلور المتبار البلير تبارك الله من ذلك الازل المتأزل الازيل تبارك  
الله من ذلك الظهر المتظاهر الظهير تبارك الله من ذلك البرق المتبارق  
البريق تبارك الله من ذلك الشرق المتشارق الشريق بسم الله الاكرم الاكرم  
الله لا اله الا هو الاكرم الاكرم الله على ذلك الظهور الميمون الله الله  
على ذلك السر المكنون الله الله على ذلك الاسم المصون بالله الله الازل الازل الله  
لا اله الا هو الا نزل الا نزل ان يا مولاي الكريم المتكرم المتكريم الحمد لله الذى قد  
اظهر ما اظهر و ابرز ما استرواح ما سطر و اشرق ما به انتصر الله اكبر الله اكبر الله  
اظهر الله اظهر الله ابلر الله ابلر على ذلك البلور المتعاكس و القدوس  
المتقاس و السبوح المتسابع فو حقتك ما ادرى باى لسان اشكرك على ما  
ابشرتنى و باى ذكر اذكرك و باى جزاء اجزيك فقد اظهرت حقيقة الكرم  
بما قد اكرم الله عليك و افشئت سرا لله الا قدم الا قدم و كشفت النقاب عن طلعة  
ملك سلطان الادوم فمالى حمد حتى احمده و مالى شكر حتى اشكره  
و مالى ذكر حتى اذكره الا انى اذكره بما ذكر به فى كل يوم و ليلة عند  
ربى و اتروح بما نزل و قد تهيكلت بهيكل جوده و تصورت بصورت وجوده  
فالشكر له بما شكره الله ربه و الحمد لله الذى قد شاهدنى على ظهورات  
سرية فى حقه قبل ظهوره و امننت به و بكلماته قبل طلوعه و ذكرته عند ربى  
قبل اشراقه و ما قد احببت يا محبوبى فى ذلك الامر ذلك ما قد احب الله  
ربك و قد شاهدت كل ما ارسلت مع السلطان من القرطاس الحمر و الصفر و  
البيض و ما كتبت من آثار ربك رب كلشئى و قد قرنتها مرات عديدة عند ربك

كليشه بالاى ابن لوح مربوط بيشت صفحه اصل خط ميباشد

الذى يخلق الربوبية فى من يشاء من عباده وكل ما يرسل من بعد من آثار ذلك  
الازل وطاوس عماء الاول من لشرك او من اثر الله فهو المحبوب عند حضرت  
المحبوب الذى لا اله الا هو المهيمن القيوم فلا تغفل عن هذا فان  
الله ربك يحب هذا وما احب الله ربك قد نزله فى الايات المشرقات على  
اسمه العظيم ثم على مرات ذاته ثم عليك من قبل ثم من بعد وارجو من الله  
الفضل كل الفضل والنصر كل النصر لك ولكل المؤمنين وما وصلني الى الان  
خط ٢٢ الذى قد ارسله من قبل ان وصل الى احبتك بفضل ربي وما شاهدت  
شعرات الازلية وما تشرفت بزيارتها وما رايت في جوف خط الحمر وقد ارسلت  
الايات والزبرات والكلمات والخطبات من قبل ومن بعد وقد كتبت على راس  
كل جزو اسم الله الكريم واكدت على ذلك فى البلوغ اليك مع سيدنا  
العظيم ومع حضرت السياح ومع حضرت الاحمد ومع اسم الله لا على ومع التقى  
التقى ومع الساقى اكراسا كثيرة ولكن وقع ما وقع عليه ولكن الاكراس  
محفوظ بحفظ الله وسيوصلها اليك اذا شاء الله وان الحمد لك هو رب العالمين .  
وچند جزواز آثار بدعه اين سنه ابدية ارسال شده هر جزوى باسم  
اسمى از اسما بر راس آن ذکر شده اسم ازل للثمرة الازلية والوجهة الالهية  
والطلعة الابدية فى ذكر اسم العزيز واسم الجميل لاسم الله العظيم صاحب  
الكرة والرجعة بما ذكرت فى كتابك واسم القويم لاسم الله الكريم وجود  
الله قديم مبشر بهجة الازلية ومذكر ذكر الابدية سبحانه سبحانه عن كل ما  
يذكره الذاكرون تسبيحا وسيحيا واسم الحى للوحيد الفريد الذى نزل فى  
حقه ظهور الوحيد خير من عبادة الثقلين وان غلب فهو الغالب ان جند الله لهم  
الغالبون واسم البهاء للشجرة البهاء والساكن فى بحر العماء قل لها من لسانى  
فاحمدى الله ربك ورب كل شئى لما استجاب دعائك واحبى اوليائك تحميدا عليا  
واسم الديان فى اسم الاحد لعضرت الامجد الاوحد الاسد الضرغام والنور  
القمقام والعارج الى ذروة المراد فى سبيل الله الملك العلام واسم العلى فى اسم  
الجليل لاسم الله العلى الاعلى سيد ١١٠ وارسلتها اليكم فاحفظوها وبلغوا  
ها الا اسمائها وقد ارسل اليكم من قبل مع سيدنا العظيم اجزاء عديدة وهياكل  
متعددة هيكل لاسم الله العظيم وهيكل لعضرت السلطان وهيكل لنور الخومى  
وهيكل لبنت اسم الله الكريم وهياكل للوحيد وغيره ولاصحاب القاف و  
جزوا الايات لك وجزو لعضرت العظيم والموهاب وغيره وان حضرته مأمور بان  
يوصل كلها اليك من هيكل المستغاث للوحيد وغيره حتى يستنسخ كلها ثم  
يوصل الى اسمائها وما ذكرت من ابدا وصولها اليكم فما ادرى اى شئ  
حدث حتى صار هكذا فان الله يقول لو ينقص حرفا من آثارى من قلمك لا خدن عنك

ولكن ينتهي بكل اصحابك و كذلك الكل مع الكل حتى ينجذبون بعضهم ببعض ولا يعززن من نفس ابداء و كتاب على راسه مكتوب باسمك فيه هيكل الازلية والدائرة الابدية وخط الالهية وخط آخر من الله لسمى الاعلى (٢٣٨) مع العلى بلغه الى الثمرة البهية و كتاب حضرت اسد الله اسم الله الديان و كتاب جناب آقا سيد حسين از غندي راهم برسائيد و جزوى هر گاه باسم آقا سيد حسين نازل شد برسائيد و لجناب الثمرة في مافوف صفر ما كتب على راسه شئ و كل الوجود لم يعدل حرفا من حروف الهيكل و لولا اردنا ان يزيد شوقه لم يبرز مثل ذلك في تلك الاوان وفيه ورقين على امهاري البديعة و خاتم منقوش عليه ان هذا صراط على في ام الكتاب لستقيم بوصل الى حضرت الازل و النور الاول و ارسلت شعرات الالهية من وجهة الازلية للثمرة الالهية في جوف قرطاس صفر بلغه الى حضرته في جوف قرطاس آخر

بامولاي الكريم قبل ان ينزل الايات و الخطبات و الادعية و الزيارة من الله المهيمين القيوم قد انزل الله الجواب بلسان الايات و الزيارات و الخطبات و الادعية الذي لا اله الا هو العزيز المحبوب على احسن خطا يعادله خط واحسن قرطاس لا يكافيه قرطاس في ايام التخليص في شهر العلاء و سينزل الله من بعد على مظهر نفسه و مرات ذاته فبشره بشر اجيلا

لا اله الا الله الملك الوهاب

بوصل الى الكلمة الاولى عليه اليها من ربيها الاعلى

الله اكبر

بسم الله الا فطر الا فطر قدسان الله ذى القدس القادس القديس قدسان الله ذى العز المازز العزيز قدسان الله ذى المجد الماجد المجيد قدسان الله ذى البذخ الباذخ البذخ قدسان الله ذى الشمخ الشامخ الشميخ سبحان الله ذى الرفع الرافع الرفيع سبحان الله ذى العلى العالى العلى و سبحان الله ذى الازل الازل الازيل و سبحان الله ذى الثمر الثامر الثمير و سبحان الله ذى الاله

كليت باي ابن لوح مربوط بيت - صفحه اصل خط ميباشد

الاله الاله و سبحان الله ذى الرب الرب الرب و سبحان الله ذى الصمد  
 الصامد الصمد و سبحان الله ذى الفطر الفاطر الفطير و سبحان الله ذى السبح  
 السابح السبيح و سبحان الله ذى العظم العاظم العظيم والحمد لله كما هو اهله  
 ومستحقه على ما شرق و ابرق و اظهر و ابرز من ظهور ذاته و مرات سره و  
 بلورية كينونيته و نصر احبائه و عز اوليائه و طراز بيانه و استغفر الله ربي عما  
 اشرت في ذكره لانه مرات الله لا تشار باشارة ولا تذكر بالدلالة سبحانه سبحانه عن  
 كل وصف و ثناء و سبحانه سبحانه عن كل نعمت و بهاء و هذا ما قد دعوت الله ربك  
 من قبل فقد استجاب الله ربك رب كلشي و سياتخذ الله به ثاره انه كان قد اراقادرا  
 قديرا وان الحمد لله في كل حين و قبل حين و بعد حين .

هوانت هذا كتاب من الله المهيم القيوم الى الكلمة الاولي ان اشهد  
 انه لا اله الا انا العزيز المحبوب قل للذينهم يتبعون امر الله متى لا تفر عن انفسكم  
 و انتم بالليل و النهار لتسكنون و لا تقولن احد لاله الا الله الا وان تغنن النغي  
 ثم تثبتن الاثبات هذا اول الدين ان انتم قليلا ما تفكرون كيف انتم تحسبون  
 انكم في دين الله مخلصون و الى حينئذ ما ظهرت كلمة لا اله الا الله و كل ما انتم  
 تقولون قول بالسنتكم انتم بالحق لو تقولن لا اله الا الله فاذا كل في دين الله  
 ساكنون هذا اول الدين في كل ظهور من عند الله المستمع المنيع الذي يسجد  
 له ما في السموات و الارض و ما بينهما وهو الظهار العظيم و لتقرئن في كل  
 ليل تلك الاية ذكر من الله المرتفع الرفيع (٢٦٠) على عدد ذلك الاسم  
 بسم الله الرفع ذى الرفاعين بسم الله الرفع ذى الرافعات بسم الله الرفع ذى  
 الرفعات على روح من عندك و ان تتلون مرة واحدة على ابتهاج في نفسك خير  
 من ان تتلون الف مرة من دون ابتهاج ذلك ما يجب اله للمقربين الذينهم  
 يعرفون الله ربهم ثم باياته يوقنون و لا يريدون الا الله و هم غير الله ربهم  
 لا يقصدون يصبرون في سبيل الله حتى ياتيهم الله في ظلل من الظلال و يقضى  
 الامر من عند الله الواحد الظهار الذي يسبح له من في السموات و الارض و  
 ما بينهما و انه لا اله الا هو الواحد البصار و له كل ما خلق و يخلق من كلشي  
 و الله سلطان مقتدر متجال و لله ما في السموات و الارض و ما بينهما و الله علام  
 ممتنع متعال .

تلك ايات قد نزلها الله عليك و قد نزل عليك كتابا من قبل باثره الرفع  
 الامنع مع اسمه العلى الاعلى و قد ارسل من بعد مع الحسن بلورة عطر منيع و قد بيض  
 رفيع و اذكر الله ربك في كل حين و قبل حين و بعد حين و اقول ان الحمد لله  
 رب العالمين هذا ما كتب في ارض الصاد في سنة ١٢٦٣

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...  
 در سنه سومه ...  
 در سنه چهارمه ...  
 در سنه پنجمه ...  
 در سنه ششمه ...  
 در سنه هفتمه ...  
 در سنه هشتمه ...  
 در سنه نهمه ...  
 در سنه دهمه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...  
 در سنه سومه ...  
 در سنه چهارمه ...  
 در سنه پنجمه ...  
 در سنه ششمه ...  
 در سنه هفتمه ...  
 در سنه هشتمه ...  
 در سنه نهمه ...  
 در سنه دهمه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...

در سنه اوله ...  
 در سنه دومه ...





الله انیس

بسم الله الانس ذی الانس و الله انیس انس السموات و الارض و ما بینهما و الله انیس انس و انسا البهاء کل البهاء علی نقطة الانس فی ارض القدس ثم البهاء سر البهاء علی حروف الانس ثم البهاء جوهر البهاء علی المستظلمین فی ظل ظلال شجرة الانس و بعد ان یا محبوبی علیک کل الانس التازل من سماء القدس

هر گاه طالب احوال باشید الان کماکان در نار بعد محترق میباشم و در قرب مشهد ساکن و تفصیل احوال نزد حامل و لکن از انشجره انس التماسی که دارم این است که مادامیکه در ارض بهاء تشریف دارن دهر وقت که لقاء رب شما را مرزوق شد ذکر از این عا کف زاویه بعد و حرمان بفرمایند و هر وقت ایاتی از اسماء از لیت نازل شد در جوف کتاب خود ارسال فرمائید و حامل را اسم الله الحاضر الصابر را حامل عرش الله الاعظم نموده فرستادم اما در باب محل نور الله که احتیاج بذکر نیست قل الله یکفی کلشی عن کلشی و لا یکفی عن الله ربک من شیء لافی السموات و لافی الارض و لا ما بینهما و الله علام قدیر و لکن اسم الله الحاضر چون غریب است در آن ارض هر گاه ممکن شد که در محل عرش ساکن شود و مشغول بتلاوت آیات بیان شود که نعم المراد و الا باید در ظل رحمت و رافت شما باشند و هر وقت در ارض شمس شغلی باشد ایشانرا بفرستند فانه رجل معجب صابرا مین و حب الله در حق ایشان ان است که در هیچ امری محزون نباشند و ان الحمد لله فی کل حین و قبل حین و بعد حین و کبر علی من یکن عندکم .

جمله: (باخیر موس و انیس) در پشت صفحه اصل خط ملاحظه گردید

الکریم الکریم فی ارض العلم

به انکریم صراط صراط الکریم

هو الا کریم یوصل الی حضرت الاحمد الامجد الکریم الا کریم فی ارض العلم

الله اکرم و اکریما و الاحمداء

بسم الله الکریم ذی الکرامین و لله کریم کرمان کرمنه السموات و الارض و ما بینهما و الله کرام کرام کریم و الله اذیل اذلان اذلیه السموات و الارض و ما بینهما و الله ازل ازل از بل ان یا محبوبی الازل الا کریم لولا وجود الله فی محبوبی الازل الا قدم ما کنت حتی اخطبک یا حبیبی فی الکلام و لکن وجود الله الا قدم الا دوم قدا مسکنی و حب الله الازل الا دوم قدا بقانی و الامالی و نعمة الوجود بعد غیبة الله الملك المعبود و مالی و نعمة العیبات فی عالم الشهود بعد صعود الله العزیز

دو فقره کلشه بالای صفحه مربوط پشت صفحه اصل خط میباشد

المشهود ان يا كريمي احب ان اكون في عالم اللانهاية و ما اري الا الله  
ربي وما انظر الى عالم الحدود ولكني ماشاهدت من اهل الجحود بمنعني  
عن عدم النظر الى سبل الحدود ولذا في عيني الذي اري كل الابتهاج لنفسي  
ولكل المؤمنين اشاهد لذاتي كل الحزن ثم لكل المؤمنين ولكن الله يكفيننا  
ويكفيكم و بالله نستعين عن كل شئ وان الله ما ابقاني ولا ابقاكم الا لما  
انت تعلم فافوض امرى الى الله ربي الازل و انوكل عليه وان عليه فليتوكل  
كل المحبين

### فهرست مطالب

باتفاق جناب هو العجى ارسال شد اجزاء واسماء و مكاتيب

بايد تفصيل رسیده برسد باتفاق نو روز فيروز اجزاء و كتب بسيار

تفصيل رسيد كل برسد نزد نبيل ق فوري بايد سواد اخذ شود الان باتفاق

اسم حاضر بايد سواد اخذ شود باتفاق اسم حاضر از اجزائي است كه قبل اشاره

كرده بودم كه ان الله قد فسر آيات نفسه بنفسه في تفسير جزء القدرة والملك

مع الخيال الاشهد اجزاء و كتب بلا سواد مع السياح قد ارسالنا من قبل كتبنا

نسخة الاحكام باثري مع اسم الحاضر وما كتب باثر الله في الاحكام

قدار سلت الى ساحة الازل

انچه ان الله شاء ان يبلغه في ايدي اعدائه ١٤٢ جزو من الايات الان موجود عند

من يكن اسمه معروف و يكون حاكم ارض الشمس و قد وصل بعضها الى ايدي حروف

الانجيل من تلك الاجزاء و ان علمي الله ان يبلغ اليان شاء و از آثار الله بايدي حروف

انجيل امده من الدوائر و الهياكل و فيها نسخة احكام غير تلك النسخة المرسوله

قدار سلوها الى سلطانهم ولكن ازان نسخه احكام يك نسخه باثري سواد شده

بود در بنگلہ بود باخطوط ديگر در ديبلقان حروف نفی یکی از آنها كه اسم آن

خنجر خان بود باتفاق اياز خان بود كه برادر او در ارض بهاء يوز باشي صد

سوار است و در نزد امير است و از اهل تفرش است در ميان قولغ كوچك كه

از جيب الخالق حضرت بود كه شافر ستاده بوديد از ارض ق سجاف ترمه

با يازده ١١ دستخط بود از هياكل و دوائر با اشياء ديگر از خاتم وغيره او

گرفت و الان باتفاق سليمان خان معروف كه قبل ذكر او را كرده بوديد

بان ارض امده دانسته باشيد طالب هيچ چيز نيستم جز دو صفحه آيات احكام

كه بخط خودم بود و نسخه او متعدد نشده بود و اثر الله بدست حروف

انجيل امده ولكن ان الله بالغ امره لا اله الا هو لم يمن البدوح

ان يا كريمي ما احب منك اذا اردت ان تكرم على الا ان تستشفع لي عند ربي

الازل بان يرزقني لقاءه كما هو يحب لا كما اني احب ولا يجعلني عبثا و اذا شاء

ان يرفعني عن تلك الدار برزقني ما حرمت عنه انه كان رافارا ثغارا و فا

و كبر على كل حروف الاثبات والحمد لله محبوب العارفين

